

بے ساختہ

آگوس و ہیولاما ۳

ترانہ پارک

ہیو  
Hoopa

# آگوس و هیولادا ۳

ترانه‌ها

پاری

ژانومه کوپونس

تصویرگر: لیلیانا فورتونی

مترجم: سعید متین



برای ترنم چوپانی  
نماد مهربانی

Original title: Agus y los monstruos. La canción del parque  
text © 2015 Jaume Copons  
illustrations © 2015 Liliana Fortuny  
copyright © 2015 Combel Editorial S.A.  
Translation rights arranged by IMC Agència Literària, SL. All rights reserved.

نشر هوپا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright)، امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از آژانس ادبی نویسنده و تصویرگر آن خریداری کرده است.

### رعایت «کپی‌رایت» یعنی چه؟

یعنی «نشر هوپا» از نویسنده‌ی کتاب، ژانومه کوپونس، برای چاپ این کتاب به زبان فارسی در ایران و همه جای دنیا اجازه گرفته و بابت انتشارش، سهم نویسنده، یعنی صاحب واقعی کتاب را پرداخت کرده است.  
اگر هر ناشری غیر از هوپا، این کتاب را به زبان فارسی در ایران یا هر جای دنیا چاپ کند، بدون اجازه و رضایت ژانومه کوپونس این کار را کرده است.



سرشناسه: کوپونس، ژانومه، ۱۹۶۶-م.  
Copons, Jaume

عنوان و نام پدیدآور: ترانه‌ی پارک/ نویسنده ژانومه کوپونس؛ تصویرگر لیلیانا فور تونی؛ مترجم سعید متین.

مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۵۱ص: مصور (رنگی).

فروست: آگوس و هیولاها، ۳.

شابک: دوره: ۸-۶۵-۸۸۶۹-۰۰۰-۹۷۸-۶۰۰-۸۸۶۹-۶۸-۹

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: 2015 La canción del parque

یادداشت: گروه سنی: ج.

موضوع: داستان‌های ماجراجویانه  
Adventure stories

موضوع: داستان‌های طنز آمیز

موضوع: Humorous stories

شناسه افزوده: فور تونی، لیلیانا، تصویرگر

شناسه افزوده: Fortuny, Liliana

شناسه افزوده: متین، سعید، ۱۳۶۵- مترجم

رده‌بندی دیوئی: ۱۳۹۷ ت ۱۳۷۷۱-۸۸۰/۸۸۳

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۰۷۵۰۹



## آگوس و هیولاها ۳

### ترانه‌ی پارک

نویسنده: ژانومه کوپونس

تصویرگر: لیلیانا فور تونی

مترجم: سعید متین

ویراستار: آنسیه حیدری

مدیر هنری: فرشاد رستمی

طراح گرافیک: بهار یونس‌زاده

ناظر چاپ: سینا برازوان

لینوگرافی، چاپ و صحافی: واژه پرداز اندیشه

چاپ اول: ۱۳۹۷

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۸-۶۵-۸۸۶۹-۰۰۰-۹۷۸-۶۰۰

شابک: ۹-۶۸-۸۸۶۹-۰۰۰-۹۷۸-۶۰۰



هوپا  
Hoopa

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف،

پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی

سندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۰۸۸۹۹۸۶۳

همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.

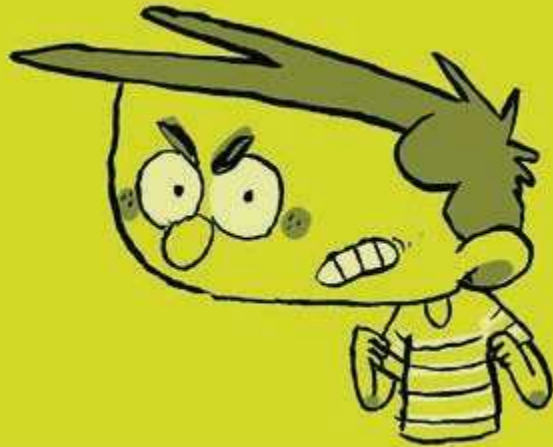
هر گونه استفاده از متن این کتاب فقط برای نقد و معرفی و در

قالب بخش‌هایی از آن مجاز است. www.hoopa.ir

info@hoopa.ir

۱

چرا؟  
آخر چرا؟



این بار باید یک مطلبی درباره‌ی یکی از چیزهای مربوط به شهرمان، گالِرنَا، آماده می‌کردیم. یک مطلبی درباره‌ی یکی از چیزها!!! وقتی به آدم می‌گویند «یک مطلبی آماده کن» و دقیقاً مشخص نمی‌کنند چه مطلبی، آدم خل می‌شود. حالا از آن بدتر این است که مجبور باشی راه مدرسه تا خانه را با لیدیا برگردی.



همه‌اش هم سر یک تکلیف بیخودی؟! باز هم همان داستان همیشگی؟ آخر چرا؟ چرا آخر هر هفته یا هر بار که تعطیل بودیم، حتی اگر تعطیلات زیرتی سه‌روزه بود، بهمان تکلیف می‌دادند؟

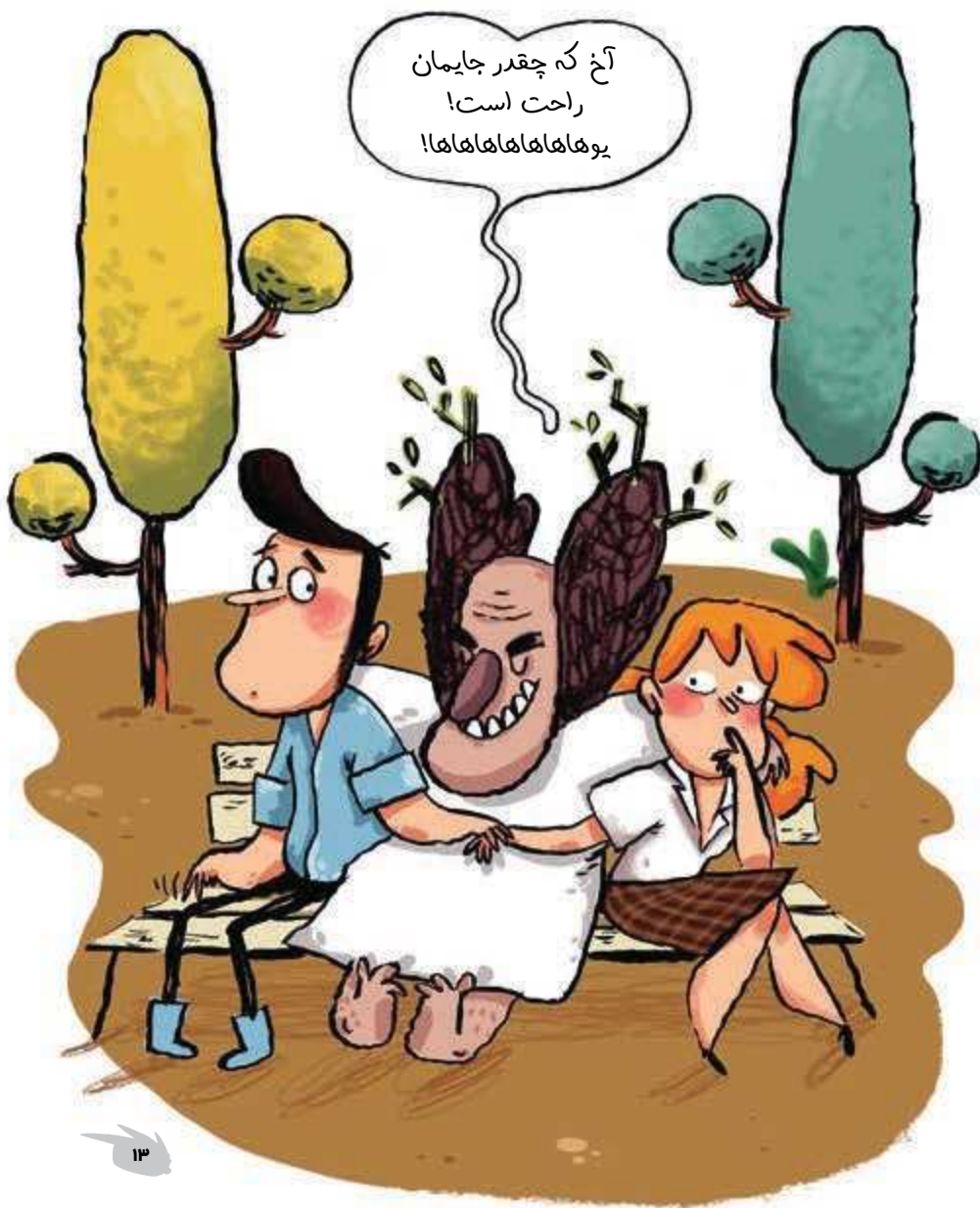
وقتی رفتیم توی اتاقم، دیدم همه‌ی هیولاها لب پنجره جمع شده‌اند. فوری به کله‌ام زد که لابد دکتر بروت و نپ باز یک بدبختی دیگر درست کرده‌اند. از پنجره‌ی اتاق، خانه‌درختی وسط پارک که دکتر بروت و نپ تویش زندگی می‌کردند، معلوم بود. دیگر عادت کرده بودیم ببینیم انواع و اقسام جَلَب جنسی و مردم‌آزاری از شان سر می‌زند.



نه. نمی‌دانستم درباره‌ی چه موضوعی مطلب بنویسم؛ چون فقط می‌توانستم به اشتیاق شدیدی فکر کنم که برای رسیدن به خانه و بازی کردن با دوستانم داشتم.



یک روز بعد از ظهر رفت نشست وسط یک زن و شوهر عاشق پیشه، فقط برای اینکه بهشان ضدحال بزند.



بعضی از جَلَبِ جنسی‌هایی که از دکتر بروت دیدیم

یک روز بنا را گذاشت به شکار پرنده‌ها. طوری که مجبور شدیم خودمان وارد عمل بشویم.



یک روز صبح شروع کرد به لگد کردن قلعه‌های شنی‌ای که بچه‌های کوچولو توی پارک ساخته بودند.



اینکه همه‌ی هیولاها لب پنجره جمع شده بودند و لام تا کام با من حرف نمی‌زدند، باعث شد فکر کنم دکتر بروت، بامبول خیلی بدی سوار کرده. سعی کردند برایم توضیح بدهند که چه اتفاقی افتاده، ولی آن قدر عصبی بودند و پریشان که درست دستگیرم نشد چه می‌گویند.



آگهی را بگو!

آره. از همه بدتر همان آگهی است!

درباره‌ی چی حرف می‌زنید؟ کدام آگهی را می‌گویید؟

صبح آمدند.

واقعاً وحشتناک بود!

دستگاه و کامیون و این‌ها داشتند...

یک عالمه کارگر هم بود...

آگهی‌ای که توی پارک نصب کرده‌اند.



عجیبه که آدمیزاد  
کتاب هاش رو نمی خوره!



هوپا، ناشر کتاب های خوردنی